



Research Article

Volume-05|Issue-01|2025

امنیتی سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در سوئیس

Subhanullah Subhani

Research Scholar, Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran & Professor, University of Afghanistan, Takhar, Afghanistan. <https://orcid.org/0009-0004-9217-9139> Email: subhanullahsubhani@khu.ac.ir

Article History

Received: 01.01.2025

Accepted: 20.01.2025

Published: 24.01.2025

Citation

Subhani, S. (2025). امنیتی سازی هویت. *Indiana Journal of Multidisciplinary Research*, 5(1), 1-8.

Abstract:

این مقاله به بررسی فرآیند امنیتی سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در سوئیس می پردازد. سوئیس با سابقه ای طولانی در پذیرش مهاجران، به ویژه مسلمانانی از کشورهای بالکان، ترکیه و خاورمیانه، طی دهه های اخیر شاهد افزایش تنش های فرهنگی و مذهبی بوده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است چگونه هویت دینی مهاجران مسلمان در سوئیس امنیتی سازی شده است و پیامدهای این فرایند چیست؟ امنیتی سازی هویت دینی مسلمانان در سوئیس نتیجه تعامل عوامل داخلی مانند گفتمان سیاسی و رسانه ای با فشارهای بین المللی ناشی از حملات تروریستی و گسترش اسلام هراسی در اروپا است. امنیتی سازی هویت اسلامی، که به طور خاص از طریق اقدامات نمادین مانند ممنوعیت ساخت مناره ها (۲۰۰۹) و پوشیدن نقاب در اماکن عمومی (۲۰۲۱) تبلور یافته، نشان دهنده نگرانی های جامعه میزبان درباره تأثیر اسلام بر ارزش های فرهنگی و امنیت ملی است. این فرایند، تحت تأثیر گفتمان های سیاسی و رسانه ای راست گرایانه، مسلمانان را به عنوان "دیگری" تهدیدآمیز بازنمایی کرده و به تقویت اسلام هراسی و تضعیف انسجام اجتماعی انجامیده است. پیامدهای این سیاست ها شامل افزایش تبعیض، احساس حاشیه نشینی در میان مهاجران و کاهش اعتماد متقابل میان جوامع مذهبی است. این پژوهش پیشنهاد می کند که به جای سیاست های تقابلی، از رویکردهای میان فرهنگی و تقویت برنامه های ادغام اجتماعی استفاده شود تا امکان همزیستی مسالمت آمیز در جامعه چندفرهنگی سوئیس فراهم شود.

Keywords:

امنیتی سازی، هویت دینی، مهاجران مسلمان، سوئیس، اسلام هراسی، ادغام اجتماعی.

Copyright © 2025 The Author(s): This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY-NC 4.0).

INTRODUCTION

در دهه های اخیر، جوامع اروپایی با افزایش تنوع فرهنگی و مذهبی ناشی از مهاجرت مواجه شده اند که منجر به شکل گیری چالش هایی در زمینه هویت، انسجام اجتماعی، و امنیت ملی شده است. سوئیس به عنوان کشوری با تاریخچه ای طولانی در پذیرش مهاجران، به ویژه از کشورهای اسلامی، نیز از این تحولات بی تأثیر نبوده است. حضور مهاجران مسلمان، که اکثراً از کشورهای بالکان، ترکیه و خاورمیانه وارد این کشور شده اند، در ابتدا با هدف تأمین نیروی کار صورت گرفت، اما با گذشت زمان و افزایش جمعیت این گروه، مسائل مرتبط با هویت دینی و فرهنگی به یکی از موضوعات مورد مناقشه در فضای عمومی و سیاسی سوئیس تبدیل شده است (Bader, 2013).

یکی از مهم ترین پدیده های مرتبط با مسلمانان در سوئیس، فرایند امنیتی سازی هویت دینی آنان است. امنیتی سازی به معنای تبدیل یک موضوع اجتماعی به مسئله ای امنیتی است که نیازمند مداخله و کنترل فوری تلقی می شود (Buzan et al, 1998). در این چارچوب، اسلام به عنوان یک تهدید برای ارزش های سکولار، امنیت عمومی و هویت ملی سوئیس معرفی شده است. ممنوعیت ساخت مناره ها در سال ۲۰۰۹ و ممنوعیت نقاب در سال ۲۰۲۱، دو نمونه برجسته از سیاست هایی هستند که در سوئیس این فرایند به تصویب رسیده اند. این اقدامات که در پی کارزارهای سیاسی و رسانه ای گسترده اجرا شدند نشان دهنده تشدید نگاه امنیتی به حضور مسلمانان در فضای عمومی سوئیس است (Mahnig, 2014).

این سیاست ها در حالی صورت می گیرند که مسلمانان در سوئیس، همچون دیگر جوامع مهاجر، با چالش های ادغام اجتماعی و فرهنگی روبرو هستند. سیاست های محدودکننده و امنیتی سازی نمادهای دینی نه تنها هویت دینی این گروه را هدف قرار داده، بلکه موجب تشدید احساس حاشیه نشینی و انزوای اجتماعی در میان آنان شده است (Cesari, 2013). این فرایند، علاوه بر تهدید همزیستی مسالمت آمیز، بستری برای تقویت گفتمان های راست گرایانه و افزایش شکاف های فرهنگی و اجتماعی در جامعه سوئیس فراهم کرده است (Amiriaux, 2016).

مسئله اصلی این پژوهش بررسی علل و پیامدهای امنیتی سازی هویت دینی مسلمانان در سوئیس است. پرسش محوری این است که چگونه هویت دینی مهاجران مسلمان در سوئیس امنیتی سازی شده است و پیامدهای این فرایند چیست؟ فرضیه پژوهش این است که این فرایند نتیجه تعامل گفتمان های سیاسی و رسانه ای داخلی با فشارهای بین المللی ناشی از حملات تروریستی و گسترش اسلام هراسی در اروپا است. اهمیت این مطالعه در آن است که امنیتی سازی هویت دینی نه تنها به افزایش تبعیض و حاشیه نشینی دامن زده، بلکه انسجام اجتماعی و همزیستی مسالمت آمیز را نیز تهدید کرده است (Helbling, 2012).

نتایج این مطالعه می تواند به درک عمیق تر از تعامل میان سیاست های مهاجرتی، گفتمان های هویتی و پیامدهای امنیتی سازی در کشورهای اروپایی کمک کند و راهکارهایی برای تقویت انسجام اجتماعی و کاهش تنش های فرهنگی ارائه دهد.

چارچوب نظری

امنیتی سازی (Securitization) یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه مطالعات امنیتی است که توسط نظریه پردازان مکتب کپنهاگ، به ویژه باری بوزان و اولی ویور، در کتاب (Security: A New Framework for Analysis) (1998) معرفی شده است.

امنیتی سازی به فرایندی اطلاق می شود که طی آن یک موضوع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، یا سیاسی به عنوان تهدیدی علیه بقا یا امنیت یک واحد (اعم از دولت، جامعه، یا یک گروه خاص) بازنمایی می شود. در این فرایند موضوع مورد نظر از چارچوب سیاست گذاری های عادی خارج شده و به یک مسئله

امنیتی فوری تبدیل می‌شود که نیازمند اقدامات استثنایی و اضطراری است. امنیتی‌سازی هویت دینی به این معناست که هویت یا نمادهای دینی یک گروه به عنوان تهدیدی برای انسجام اجتماعی، هویت ملی، یا امنیت عمومی معرفی می‌شوند. در چنین مواردی، اقداماتی مانند ممنوعیت نمادهای دینی (مانند حجاب یا مناره) یا محدودیت‌های قانونی علیه گروه‌های دینی توجیه می‌شود، این موضوع معمولاً در گفتمان‌های سیاسی راست‌گرایانه و رسانه‌ها برجسته می‌شود.

هویت دینی به عنوان مجموعه‌ای از باورها، آداب و رسوم مذهبی، نمادها و شیوه‌های زندگی است که به‌طور خاص برای گروه‌های مذهبی نظیر مسلمانان، یهودیان یا مسیحیان معنا پیدا می‌کند، هنگامی که هویت دینی به عنوان موضوع امنیتی مطرح می‌شود، این هویت به عنوان تهدیدی بالقوه برای انسجام اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی و امنیت ملی معرفی می‌گردد. در این حالت، گروه‌های دینی و فرهنگی به‌ویژه در جوامع مهاجر به‌طور خاص هدف گفتمان‌های امنیتی قرار می‌گیرند که آن‌ها را به عنوان تهدیدات خارجی یا داخلی ارزیابی می‌کنند.

دلایل امنیتی‌سازی هویت دینی؛ تروریسم و خشونت‌های افراطی: یکی از دلایل اصلی امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان، حملات تروریستی و خشونت‌های افراطی است که به‌طور خاص در دهه‌های اخیر توجه به مسلمانان را در برخی کشورهای غربی تحت تأثیر قرار داده است. به‌ویژه پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، هویت دینی مسلمانان به‌طور فزاینده‌ای به عنوان یک تهدید امنیتی بازنمایی شد، اسلام‌هراسی: موج گسترده اسلام‌هراسی در اروپا و دیگر نقاط جهان، از طریق گفتمان‌های رسانه‌ای و سیاسی، به تقویت نگرش‌های منفی و امنیتی نسبت به مسلمانان منجر شده است. این نگرش‌ها در برخی مواقع به سیاست‌های محدودکننده و ممنوعیت نمادهای دینی مانند حجاب، نقاب، یا مناره‌ها تبدیل شده‌اند. چالش‌های هویتی و فرهنگی: در جوامع چندفرهنگی، تغییرات جمعیتی و افزایش تنوع فرهنگی می‌تواند موجب نگرانی‌هایی درباره حفظ هویت ملی شود، هویت دینی به‌ویژه در صورت مخالفت بودن با هویت غالب، به عنوان تهدیدی برای انسجام اجتماعی معرفی می‌شود.

امنیتی‌سازی هویت دینی به این معناست که ویژگی‌های دینی، گروهی خاص به عنوان تهدیدی علیه منافع یا ارزش‌های جامعه میزبان معرفی می‌شود، این فرایند در گفتمان‌های امنیتی و سیاست‌های دولت‌ها بازتاب می‌یابد که شامل طرح مسائلی مانند: تهدید برای امنیت عمومی، تهدید برای هویت ملی کشور، تهدید برای انسجام اجتماعی در برابر تنوع فرهنگی و دینی، در این راستا برخی گروه‌های سیاسی، رسانه‌ها و نهادهای دولتی اقدام به ساختن تصاویری از مسلمانان یا سایر اقلیت‌های دینی به عنوان تهدیدی برای «سبک زندگی غربی» یا «فرهنگ سکولار» می‌کنند. برای مثال در کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و سوئیس، نمادهای دینی مانند حجاب یا مناره‌ها به عنوان تهدیدی برای ارزش‌های سکولار و امنیت عمومی معرفی شده‌اند.

ارتباط امنیتی‌سازی با گفتمان‌های سیاسی و رسانه‌ای: امنیتی‌سازی (Securitization) به فرایند بازنمایی یک مسئله به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی یا اجتماعی اطلاق می‌شود که به اقدامات اضطراری و استثنایی نیاز دارد. این مفهوم در نظریه‌های امنیتی، به‌ویژه در مکتب کپنهاگ، به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در تحلیل روابط قدرت و ساختارهای اجتماعی معرفی شده است (Buzan, 1998). گفتمان‌های سیاسی و رسانه‌ای نقشی کلیدی در شکل‌گیری و تقویت این فرایند ایفا می‌کنند. این گفتمان‌ها، به‌ویژه زمانی که به مسائل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با اقلیت‌ها و گروه‌های دینی می‌پردازند، می‌توانند هویت‌های دینی را به عنوان تهدیدهایی امنیتی بازنمایی کنند.

گفتمان‌های سیاسی اغلب از امنیتی‌سازی به عنوان ابزاری برای تغییر یا تثبیت سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی استفاده می‌کنند، سیاستمداران به‌ویژه در زمان بحران‌ها یا تهدیدات آشکار، از گفتمان‌های امنیتی برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات استثنایی بهره می‌برند. به عنوان مثال، گفتمان‌های سیاسی می‌توانند از تروریسم یا افراط‌گرایی به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی استفاده کنند و این تهدیدات را به‌طور خاص با هویت دینی یا قومی مرتبط سازند. این گفتمان‌ها می‌توانند در سطح عمومی نگرانی‌هایی را ایجاد کنند که در نتیجه آن دولت‌ها سیاست‌های محدودکننده‌ای را علیه گروه‌های خاص اعمال کنند. پس از حملات ۱۱ سپتامبر، برخی سیاستمداران و مقامات دولتی در کشورهای غربی از گفتمان‌های امنیتی‌سازی برای محدود کردن حقوق مسلمانان و اعمال نظارت‌های شدیدتر استفاده کردند. این گفتمان‌ها به‌ویژه در احزاب سیاسی راست‌گرا رایج بودند که در آن‌ها هویت اسلامی به عنوان تهدیدی برای هویت ملی و فرهنگی کشور معرفی می‌شد (Mitsilegas, 2009).

رسانه‌ها، به‌ویژه در دنیای مدرن که اطلاعات به سرعت در دسترس است، می‌توانند نقش بسیار مهمی در فرایند امنیتی‌سازی ایفا کنند، رسانه‌ها از طریق بازنمایی‌های خاص خود از گروه‌های دینی یا اجتماعی، نگرانی‌های عمومی را به وجود می‌آورند و گفتمان‌هایی را تقویت می‌کنند که بر اساس آن‌ها، گروه‌هایی خاص به عنوان تهدید برای امنیت معرفی می‌شوند. در این فرایند، رسانه‌ها نه تنها اخبار و اطلاعات را منتقل می‌کنند بلکه از طریق نحوه انتخاب و تنظیم اخبار، می‌توانند به شکل‌دهی افکار عمومی کمک کنند. در بسیاری از کشورهای اروپایی، رسانه‌ها پس از حملات تروریستی اسلام‌گرایانه، تصاویر و داستان‌هایی از مسلمانان به عنوان تهدیدات امنیتی پخش کردند. این نوع پوشش خبری به‌ویژه در رسانه‌های معاند با مهاجران و اقلیت‌های دینی، باعث تقویت نگرش‌های ضد اسلامی و ایجاد فضایی از ترس و بی‌اعتمادی به مسلمانان شد، رسانه‌ها با استفاده از تصاویر و زبان تهدیدآمیز در مورد گروه‌های مسلمان، احساسات منفی را تقویت کردند (Fekete, 2004).

گفتمان‌های سیاسی و رسانه‌ای با یکدیگر در تعاملاند و گاهی اوقات گفتمان‌های رسانه‌ای می‌توانند بر سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأثیر بگذارند، رسانه‌ها از یک سو می‌توانند روایت‌های امنیتی‌سازی را منتشر کنند و از سوی دیگر، سیاستمداران از این روایت‌ها برای به وجود آوردن حمایت عمومی برای اقدامات خاص خود استفاده می‌کنند. این ارتباط می‌تواند باعث تقویت دائمی تهدیدات امنیتی‌سازی شده و در نتیجه موجب تقویت بیگانگی و تبعیض علیه گروه‌های خاص شود. در سوئیس پس از تصویب ممنوعیت ساخت مناره‌ها در سال ۲۰۰۹، رسانه‌ها و سیاستمداران نقش قابل توجهی در بازنمایی اسلام به عنوان تهدیدی برای هویت ملی ایفا کردند. این گفتمان که عمدتاً از سوی رسانه‌های راست‌گرا و سیاستمداران محافظه‌کار تقویت شد، بر ترس از «اسلامیزه شدن» کشور تأکید داشت و موجب ایجاد تصویری منفی از مسلمانان در جامعه شد (Bakker & Pels, 2013).

بررسی فرایند امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در سوئیس

سیاست‌گذاری‌ها و قوانین دولتی نقش مهمی در فرایند امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجران مسلمان ایفا می‌کنند در جوامع دموکراتیک، سیاست‌ها و قوانین به عنوان ابزارهای رسمی برای مدیریت تنوع فرهنگی و دینی عمل می‌کنند، اما در برخی موارد، این سیاست‌ها و قوانین می‌توانند به بازنمایی و امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجران مسلمان منجر شوند. این فرایند در اغلب موارد ناشی از نگرانی‌های امنیتی، اجتماعی یا فرهنگی است که به‌ویژه در مواقع بحران یا حوادث تروریستی تقویت می‌شود. سیاست‌های مهاجرتی یکی از اصلی‌ترین ابزارهای دولت‌ها در مدیریت تنوع دینی و فرهنگی هستند. بسیاری از کشورها به‌ویژه در اروپای غربی، برای مدیریت مهاجرت، قوانین و سیاست‌هایی را اتخاذ کرده‌اند که می‌تواند بر هویت دینی مهاجران مسلمان تأثیر بگذارد. در این سیاست‌ها، گاهی هویت دینی مسلمانان به عنوان یک تهدید برای هویت ملی یا امنیت اجتماعی بازنمایی می‌شود. پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر،

بسیاری از کشورهای غربی قوانین سختگیرانه‌تری در زمینه مهاجرت و پناهندگی به‌ویژه در مورد مهاجران مسلمان وضع کردند. در فرانسه سیاست‌های امنیتی، از جمله قوانین ضدتروریسم، به‌طور خاص برای نظارت بیشتر بر جوامع مسلمان و فعالیت‌های مذهبی آن‌ها طراحی شدند. در برخی موارد، سیاست‌گذاران از خطرات "اسلام سیاسی" به‌عنوان دلیلی برای ایجاد محدودیت‌های مهاجرتی و نظارت بیشتر بر مسلمانان استفاده کردند (Lentin, 2004).

در برخی کشورهای اروپایی، قوانین و مقررات خاصی برای محدود کردن نمایش نمادهای دینی مسلمانان، مانند حجاب، به تصویب رسیده است، این قوانین به‌طور خاص در فرانسه و بلژیک مورد توجه قرار گرفته و به‌طور مستقیم به فرایند امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان منجر شده‌اند. این قوانین از سوی برخی به‌عنوان تدابیر امنیتی برای حفظ "هویت سکولار" و جلوگیری از ورود "ارزش‌های خارجی" به کشورها توجیه شده‌اند. در فرانسه قانونی که در سال ۲۰۰۴ تصویب شد، استفاده از نمادهای دینی در مدارس عمومی را ممنوع ساخت. این قانون به‌ویژه برای مسلمانان که به حجاب یا روسری اعتقاد دارند، چالشی بزرگ به‌وجود آورد، این نوع قوانین از سوی منتقدان به‌عنوان ابزاری برای تقویت سیاست‌های امنیتی‌سازی و ایجاد فضایی از بی‌اعتمادی به مسلمانان در نظر گرفته شده است (Scott, 2007).

در بسیاری از کشورهای غربی، پس از حملات تروریستی، قوانین ضدتروریسم به‌طور گسترده‌ای برای نظارت و کنترل جوامع مسلمان وضع شدند، این قوانین معمولاً تحت عنوان «امنیت ملی» یا «جلوگیری از افراط‌گرایی» طراحی می‌شوند و به‌طور غیرمستقیم هویت دینی مسلمانان را به‌عنوان تهدیدی برای امنیت معرفی می‌کنند. این قوانین می‌توانند شامل نظارت بر مساجد، جمع‌آوری اطلاعات درباره گروه‌های مذهبی و محدود کردن فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مسلمانان باشند، در بریتانیا پس از حملات ۷ ژوئیه ۲۰۰۵، دولت برنامه‌هایی برای نظارت بر مساجد و گروه‌های مذهبی مسلمانان راه‌اندازی کرد. این اقدامات شامل ایجاد برنامه‌هایی برای "افراط‌گرایی زدایی" و نظارت بر "رادپوها و تلویزیون‌های اسلامی" بود. این قوانین و سیاست‌ها به‌طور مستقیم هویت دینی مسلمانان را با تهدیدات امنیتی پیوند دادند و منجر به افزایش احساس بیگانگی و نابرابری در میان مسلمانان بریتانیا شدند (Ahmed, 2013).

در برخی کشورها، قوانین و سیاست‌های محدودکننده در زمینه‌های فرهنگی و مذهبی، مانند ممنوعیت ساخت مناره‌ها یا محدودیت‌های در مورد اذان‌گویی، به‌طور غیرمستقیم به فرایند امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان منجر می‌شوند. این سیاست‌ها اغلب با این استدلال توجیه می‌شوند که هدف از آن‌ها حفظ هویت ملی یا مقابله با تهدیدات احتمالی مذهبی است، سوئیس در سال ۲۰۰۹، قانونی که منع ساخت مناره‌ها را تصویب کرد، با این استدلال توجیه شد که این اقدام به‌منظور حفظ هویت فرهنگی و ملی کشور و جلوگیری از "اسلامیزه‌شدن" سوئیس صورت گرفته است. این قانون به‌طور خاص هویت دینی مسلمانان را به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی معرفی کرد و موجی از بحث‌ها و انتقادات را در سطح بین‌المللی برانگیخت (Bakker & Pels, 2013).

در سال ۲۰۰۹، سوئیس شاهد یک همه‌پرسی جنجالی بود که در آن تصمیم‌گیری درباره ممنوعیت ساخت مناره‌ها در کشور مطرح شد. این همه‌پرسی در تاریخ ۲۹ نوامبر ۲۰۰۹ برگزار شد و با نتیجه‌ای شگفت‌انگیز همراه بود، زیرا اکثریت قریب به اتفاق رأی‌دهندگان به تصویب ممنوعیت ساخت مناره‌ها رأی دادند. این تصمیم نه‌تنها بازتاب‌دهنده نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی در سوئیس بود، بلکه تأثیرات گسترده‌ای بر هویت دینی مسلمانان و امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در این کشور داشت. مسئله ممنوعیت ساخت مناره‌ها از سوی گروه‌های مخالف مهاجرت و اسلام‌گرایی در سوئیس مطرح شد. این گروه‌ها به‌ویژه در احزاب راست‌گرا، مانند حزب مردم سوئیس (SVP)، بر این باور بودند که ساخت مناره‌ها نمایانگر تهدیدی برای هویت فرهنگی و سکولار سوئیس است. آنها معتقد بودند که مناره‌ها نماد حضور اسلام در کشور هستند و باید جلوی گسترش آن گرفته شود. این نگرش در پاسخ به نگرانی‌های عمومی درباره افزایش تعداد مسلمانان در سوئیس و روند رشد گفتمان‌های افراطی در برخی کشورهای اسلامی تقویت شد.

دلایل مطرح‌شده از سوی حامیان ممنوعیت ساخت مناره‌ها شامل موارد زیر بود؛ حفظ هویت فرهنگی و سکولار کشور؛ حامیان ممنوعیت معتقد بودند که مناره‌ها به‌عنوان نمادهایی از اسلام ممکن است تهدیدی برای ارزش‌های سکولار و فرهنگی سوئیس باشند. ترس از اسلامیزه‌شدن سوئیس؛ برخی گروه‌های سیاسی و اجتماعی معتقد بودند که ساخت مناره‌ها می‌تواند نشانه‌ای از گسترش اسلامی‌سازی در سوئیس باشد و موجب تغییر در هویت دینی و فرهنگی این کشور شود. نگرانی‌های امنیتی؛ برخی مقامات امنیتی و سیاسی سوئیس اسلام را به‌ویژه پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و نگرانی‌ها درباره افراط‌گرایی اسلامی به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی تلقی می‌کردند.

در نهایت در همه‌پرسی ۲۰۰۹، ۵۷٫۵ درصد از رأی‌دهندگان سوئیسی به ممنوعیت ساخت مناره‌ها رأی دادند، این تصمیم نه‌تنها در سوئیس بلکه در سطح بین‌المللی اعتراضات زیادی را برانگیخت، بسیاری از گروه‌های حقوق بشری، سازمان‌های اسلامی و کشورهای این تصمیم را به‌عنوان اقداماتی نژادپرستانه و ضداسلامی دانستند که موجب تضعیف حقوق مسلمانان در سوئیس می‌شود. این همه‌پرسی به‌طور خاص بر امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در سوئیس تأثیر گذاشت و موجب افزایش نگرش‌های منفی و بی‌اعتمادی به مسلمانان در جامعه شد، مسلمانان و گروه‌های حقوق بشری این تصمیم را نشانه‌ای از افزایش اسلام‌هراسی و تبعیض دینی در سوئیس تلقی کردند.

تصمیم به ممنوعیت ساخت مناره‌ها تبعات عمیقی در سطح اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در سوئیس داشت، این اقدام باعث افزایش احساس بیگانگی وجدایی در میان مسلمانان سوئیسی و گروه‌های مذهبی شد، بسیاری از مسلمانان سوئیس که به‌ویژه در مناطق شهری زندگی می‌کنند، احساس کردند که هویت دینی و فرهنگی آنها به‌طور آشکار مورد حمله قرار گرفته است. در سطح سیاسی این تصمیم به تشدید گفتمان‌های ضد اسلامی در کشور و تقویت گروه‌های راست‌گرا و ملی‌گرای سوئیس منجر شد، احزاب راست‌گرا از این پیروزی برای تبلیغات ضد مهاجرت و ضد اسلامی خود استفاده کردند، در حالی که احزاب چپ و سازمان‌های حقوق بشری بر لزوم احترام به حقوق اقلیت‌ها و حفاظت از آزادی‌های مذهبی تأکید کردند (Ahmed, 2013).

ممنوعیت نقاب در اماکن عمومی (2021) در سوئیس: در سال 2021، سوئیس شاهد یک تصمیم مهم دیگر در زمینه سیاست‌های فرهنگی و مذهبی بود که مربوط به ممنوعیت پوشیدن نقاب در اماکن عمومی بود، این تصمیم تحت عنوان «ممنوعیت پوشش صورت در اماکن عمومی» در یک همه‌پرسی عمومی برگزار شد که نتیجه آن به تصویب این قانون در سطح ملی منجر گردید. این قانون به‌طور خاص پوشیدن نقاب‌های اسلامی (مانند نقاب یا برقع) را در اماکن عمومی مانند خیابان‌ها، حمل و نقل عمومی، فروشگاه‌ها و دیگر فضاهای عمومی ممنوع می‌کند. این تصمیم در سال 2021 اجرایی شد و علاوه بر سوئیس، در برخی دیگر از کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و بلژیک نیز مشابه این قوانین تصویب شده است، تصمیم به ممنوعیت پوشیدن نقاب در سوئیس به‌طور عمده ناشی از نگرانی‌های امنیتی، فرهنگی و اجتماعی بود، حامیان این قانون معتقد بودند که نقاب به‌عنوان نماد اسلام، تهدیدی برای هویت ملی و فرهنگی سوئیس است و می‌تواند مشکلات امنیتی ایجاد کند. این نگرانی‌ها بیشتر از آنجا ناشی شد که برخی افراد نقاب‌پوش در فضاهای عمومی به‌ویژه در

زمینه‌های اجتماعی و سیاسی حضور داشتند که در آن‌ها هویت فردی قابل شناسایی نبود و این مسئله ممکن بود باعث ایجاد بحران‌های امنیتی یا فرهنگی شود.

دلایل حامیان ممنوعیت پوشیدن نقاب شامل موارد زیر بود؛ حفظ امنیت عمومی؛ برخی از سیاستمداران و مقامات امنیتی معتقد بودند که پوشیدن نقاب در اماکن عمومی می‌تواند به عنوان یک تهدید امنیتی مطرح شود زیرا ممکن است هویت افراد به‌طور کامل قابل شناسایی نباشد. حفظ هویت فرهنگی و سکولاریسم: پوشیدن نقاب به‌ویژه برای برخی گروه‌های راست‌گرای سونی‌س به‌عنوان تهدیدی برای هویت فرهنگی و ارزش‌های سکولار کشور تلقی می‌شود.

افزایش اسلام‌هراسی: در حالی که برخی از گروه‌های اجتماعی از این قانون حمایت کردند، مخالفان آن معتقد بودند که این تصمیم به افزایش اسلام‌هراسی و تبعیض علیه مسلمانان در سونی‌س منجر خواهد شد، حقوق و آزادی مذهبی مسلمانان را محدود می‌کند.

گفتمان‌های سیاسی و احزاب راست‌گرا نقش برجسته‌ای در فرآیند امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان ایفا می‌کنند این احزاب، به‌ویژه در کشورهای اروپایی، در پیوند با مسائل مهاجرت و هویت فرهنگی، همواره بر تهدیدات ناشی از اسلام و حضور مسلمانان در جوامع غربی تأکید کرده‌اند، این گفتمان‌ها نه تنها به‌طور مستقیم به امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان منجر شده‌اند، بلکه به‌طور غیرمستقیم بر سیاست‌ها و قوانین کشورهای مختلف تأثیر گذاشته‌اند، گفتمان‌های سیاسی راست‌گرا به‌ویژه در اروپا، از اسلام‌هراسی به‌عنوان ابزاری برای تقویت هویت ملی و مقاومت در برابر آنچه که «تهدیدات فرهنگی» و «افزایش اسلام در اروپا» نامیده می‌شود، استفاده کرده‌اند، این گفتمان‌ها به‌طور خاص بر خطرات ناشی از «اسلام سیاسی» و نفوذ فرهنگی مسلمانان تأکید دارند. به‌عنوان نمونه در بسیاری از احزاب راست‌گرا، اسلام به‌عنوان یک تهدید امنیتی و فرهنگی برای هویت ملی معرفی شده است، حزب مردم سونی‌س (SVP) که یکی از احزاب راست‌گرای برجسته در سونی‌س است، در بسیاری از کمپین‌های انتخاباتی خود از گفتمان‌های ضد اسلامی استفاده کرده است. این حزب در انتخاباتی مانند همه‌پرسی ممنوعیت ساخت مناره‌ها و پوشیدن نقاب در اماکن عمومی، به‌طور گسترده‌ای به ترس از «اسلامیزه‌شدن» کشور و تهدیدات امنیتی ناشی از حضور مسلمانان اشاره کرده است، در این گفتمان مسلمانان به‌عنوان تهدیدی برای ارزش‌های دموکراتیک و هویت فرهنگی سونی‌س معرفی شدند (Bakker & Pels, 2013).

گفتمان‌های راست‌گرا اغلب از بحران‌های امنیتی، به‌ویژه پس از حملات تروریستی، برای تقویت اتهامات خود علیه مسلمانان و مهاجران استفاده کرده‌اند، این احزاب به‌ویژه در پی حوادث تروریستی در فرانسه، بلژیک و سایر کشورهای اروپایی، به‌طور گسترده‌تر بر تهدیدات امنیتی مسلمانان تأکید کرده و از این فرصت برای پیشبرد سیاست‌های ضد مهاجرتی و ضد اسلامی استفاده کرده‌اند. پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده و حملات تروریستی در پاریس در سال ۲۰۱۵، احزاب راست‌گرا در کشورهای اروپایی مانند فرانسه، بریتانیا و سونی‌س از گفتمان‌های امنیتی‌سازی برای برجسته زدن به مسلمانان به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی استفاده کردند، این احزاب به‌ویژه با اشاره به خطرات «اسلام رادیکال»، بر لزوم تصویب قوانین سختگیرانه‌تر ضد تروریسم و محدود کردن آزادی‌های مذهبی مسلمانان تأکید کردند (Lentin, 2004).

احزاب راست‌گرا در اروپا معمولاً از گفتمان ضد مهاجرت برای امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان استفاده می‌کنند این گفتمان‌ها بیشتر بر هویت ملی، فرهنگی و اقتصادی کشور تأکید دارند و مسلمانان را به‌عنوان مهاجرانی می‌بینند که تهدیدی برای این هویت‌ها هستند. در این گفتمان‌ها، مهاجرت مسلمانان نه تنها به‌عنوان یک چالش اقتصادی بلکه به‌عنوان تهدیدی برای امنیت و هویت فرهنگی نیز معرفی می‌شود. حزب «جبهه ملی» فرانسه که یکی از احزاب راست‌گرای برجسته است، در سال‌های اخیر از گفتمان‌های ضد مهاجرت برای تقویت نگرش‌های اسلام‌هراسانه استفاده کرده است. مارین لوپن، رهبر این حزب، همواره بر این نکته تأکید کرده است که مهاجرت مسلمانان به‌ویژه از کشورهای شمال آفریقا، تهدیدی برای فرهنگ و هویت فرانسه است، این گفتمان به‌ویژه در واکنش به افزایش حضور مسلمانان در شهرهای فرانسه و وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها تقویت شد (Scott, 2007).

گفتمان‌های راست‌گرا نه تنها در سطح عمومی و اجتماعی تأثیر دارند، بلکه به‌طور مستقیم بر سیاست‌های دولتی نیز تأثیر می‌گذارند، احزاب راست‌گرا معمولاً سیاست‌های ضد مهاجرتی و ضد اسلامی را در چارچوب امنیتی‌سازی پیگیری می‌کنند. این سیاست‌ها می‌توانند شامل محدودیت‌های قانونی بر آزادی‌های مذهبی، نظارت بر جوامع مسلمان و سخت‌گیری در پذیرش مهاجران باشند، در سونی‌س حزب مردم سونی‌س (SVP) که یکی از احزاب راست‌گرای برجسته است، به‌طور پیوسته بر اهمیت محدود کردن مهاجرت و اعمال قوانین سختگیرانه‌تر علیه مسلمانان تأکید کرده است، این حزب به‌ویژه در قانون‌گذاری‌های مربوط به ممنوعیت ساخت مناره‌ها و پوشیدن نقاب نقش داشت و با استفاده از گفتمان‌های امنیتی‌سازی، این قوانین را به‌عنوان ابزاری برای حفظ امنیت و هویت فرهنگی سونی‌س معرفی کرد (Bakker, 2013).

رسانه‌ها در بسیاری از کشورهای غربی، از جمله سونی‌س، اغلب هویت دینی مسلمانان را با مسائل امنیتی و فرهنگی پیوند می‌دهند، این تصویرسازی‌ها باعث می‌شود که مسلمانان در جامعه به‌عنوان یک گروه «بیگانه» و «تهدید» شناخته شوند رسانه‌ها با پرداختن به موضوعاتی مانند حجاب، مناره‌ها و مسائل فرهنگی خاص مسلمانان، به‌طور غیرمستقیم تلاش می‌کنند تا از تغییرات فرهنگی ناشی از مهاجرت مسلمانان جلوگیری کنند، مهم‌ترین نمونه این گفتمان در سونی‌س در ارتباط با ممنوعیت ساخت مناره‌ها در سال ۲۰۰۹ است، رسانه‌ها با تأکید بر این موضوع که ساخت مناره‌ها نماد «اسلام سیاسی» است، گفتمان ضد اسلامی را در میان عموم مردم تقویت کردند، این پوشش رسانه‌ای باعث شد که این تصمیم به‌عنوان اقدام قانونی برای حفظ هویت فرهنگی و امنیت ملی سونی‌س در برابر تهدیدات اسلامی مطرح شود (Fekete, 2004).

پیامدهای امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در سونی‌س

فرآیند امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در سونی‌س تأثیرات قابل‌توجهی بر جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی امنیتی این کشور داشته است، امنیتی‌سازی هویت دینی، به‌ویژه در رابطه با مسلمانان، باعث ایجاد چندین پیامد منفی در سونی‌س شده که از جمله آنها می‌توان به تبعیض‌های اجتماعی، جداسازی فرهنگی، تغییرات در سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی و حتی تأثیرات بر امنیت اجتماعی اشاره کرد، در اینجا برخی از پیامدهای مهم این فرآیند بررسی می‌شود.

تبعیض و استیگماتیزه شدن مسلمانان: امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان موجب افزایش تبعیض علیه آنها در سونی‌س شده است، رسانه‌ها و گفتمان‌های سیاسی غالب در سونی‌س، مسلمانان را به‌ویژه در پیوند با تروریسم، افراط‌گرایی و تهدیدات امنیتی معرفی کرده‌اند. این رویکرد، مسلمانان را در جایگاه «دیگران» قرار داده و باعث شده است که بسیاری از مسلمانان در سونی‌س احساس بیگانگی و طردشدگی کنند. این امر به افزایش استیگما و تبعیض در محیط‌های

اجتماعی و کاری منجر شده است، در این راستا مسلمانان در معرض فشارهای اجتماعی برای همسان‌سازی با فرهنگ غالب قرار می‌گیرند که ممکن است به مشکلات روانی و اجتماعی منجر شود (Fekete, 2004). ممنوعیت ساخت مناره‌ها و تصویب قانون منع پوشیدن نقاب، نشان‌دهنده تبعیض سیستماتیک علیه مسلمانان است که از نگرش‌های امنیتی و هویتی مبتنی بر ترس و سوءتفاهم نشأت می‌گیرد. این قوانین، به‌ویژه برای زنان مسلمان که از حجاب استفاده می‌کنند، احساس طردشدگی و نادیده‌گرفتن هویت دینی را به همراه داشته است (Bakker, 2013). استیگماتیزه (Stigmatized). به معنی بدنام کردن، داغ ننگ زدن یا برچسب زدن به فرد، گروه یا پدیده‌ای است که باعث می‌شود در نگاه عمومی یا اجتماعی به شکلی منفی یا غیر عادلانه دیده شود. این مفهوم معمولاً در زمینه‌های اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی به کار می‌رود و به حالتی اشاره دارد که فرد یا گروه به دلیل داشتن ویژگی یا رفتاری خاص، از سوی جامعه مورد تبعیض، طرد یا قضاوت ناعادلانه قرار می‌گیرد.

تضعیف انسجام اجتماعی: امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در سوئیس موجب تضعیف انسجام اجتماعی و افزایش شکاف‌های قومی و فرهنگی شده است، هنگامی که مسلمانان به عنوان تهدیدی برای امنیت و هویت ملی مطرح می‌شوند، ممکن است از دیگر اقشار جامعه دور شوند و در نتیجه تعاملات اجتماعی کمتر شود. این شکاف‌ها باعث می‌شود که گروه‌های مختلف اجتماعی احساس کنند که در یک جامعه یکپارچه و مشترک زندگی نمی‌کنند، مطالعات نشان داده‌اند که این شکاف‌های اجتماعی می‌توانند به افزایش تنش‌ها و در برخی موارد به وقوع درگیری‌های داخلی منجر شوند (Lentin, 2004). در سوئیس گفتمان‌های رسانه‌ای منفی و سیاست‌های سختگیرانه مهاجرتی باعث ایجاد فضایی از شک و تردید نسبت به مسلمانان در میان مردم شده است، این فضای منفی می‌تواند منجر به انزوای بیشتر مسلمانان و فاصله‌گرفتن آنها از جامعه سوئیسی شود که در نتیجه به کاهش همبستگی اجتماعی منجر خواهد شد.

تأثیر بر سیاست‌های مهاجرتی و حقوق بشر: امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در سوئیس تأثیرات زیادی بر سیاست‌های مهاجرتی و حقوق بشر داشته است، سیاست‌های مهاجرتی که بر اساس نگرانی‌های امنیتی و هویتی شکل می‌گیرند، ممکن است محدودیت‌هایی برای مسلمانان مهاجر ایجاد کنند و به‌طور کلی به افزایش روند سیاست‌های مهاجرتی سختگیرانه منجر شوند. علاوه بر این، قوانین خاصی مانند ممنوعیت پوشش حجاب یا محدودیت در ساخت مناره‌ها که با نگرانی‌های امنیتی و هویتی توجیه می‌شوند، به نقض حقوق بشری مسلمانان منتهی شده است. این نوع سیاست‌ها ممکن است به نفع گروه‌های راست‌گرای سیاسی باشد اما به‌طور کلی به کاهش حقوق فردی و آزادی‌های دینی مسلمانان می‌انجامد (Bakker, 2013).

تقویت احساس بی‌اعتمادی در برابر نهادهای دولتی: امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان به تقویت احساس بی‌اعتمادی در برابر نهادهای دولتی و نیروهای انتظامی سوئیس منجر شده است، مسلمانان که از طرف نهادهای دولتی و رسانه‌ها به عنوان تهدید امنیتی معرفی می‌شوند، ممکن است نسبت به این نهادها احساس بی‌اعتمادی و دشمنی کنند. این احساس بی‌اعتمادی می‌تواند باعث کاهش همکاری مسلمانان با نیروهای انتظامی، سیستم قضایی و حتی در برخی موارد در برابر سیاست‌های دولتی شود. پس از وقوع حملات تروریستی در کشورهای همسایه سوئیس، گزارش‌های رسانه‌ای و گفتمان‌های سیاسی ضد مسلمانان، مسلمانان را به عنوان تهدیداتی برای امنیت ملی معرفی کرده است، این موضوع ممکن است باعث ایجاد نگرانی و بی‌اعتمادی در میان مسلمانان نسبت به مقامات دولتی و نیروهای امنیتی شود (Scott, 2007).

پیامدهای امنیتی؛ افزایش نگرانی‌ها و تشدید سیاست‌های امنیتی: از منظر امنیتی، برجسته‌سازی تهدیدات هویتی مسلمانان به افزایش نگرانی‌ها در مورد تهدیدات امنیتی منجر شده است، این امر به سیاست‌های سختگیرانه‌تر در حوزه‌های مختلف امنیتی، از جمله نظارت‌های بیشتر بر مسلمانان و مهاجران، تشدید تدابیر پیشگیرانه و افزایش فشار بر مسلمانان برای همسان‌سازی بیشتر با هنجارهای فرهنگی و اجتماعی سوئیس منتهی شده است. همچنین این روند می‌تواند به افزایش نظارت‌های امنیتی و اطلاعاتی بر جوامع مسلمان و مهاجر منجر شود. افزایش تدابیر امنیتی و نظارت‌های اطلاعاتی پس از حوادث تروریستی در اروپا، به‌ویژه در کشورهایی مانند سوئیس، به‌طور مستقیم به مسلمانان مرتبط شده است. مسلمانان به‌ویژه در اماکن عمومی و مذهبی تحت فشار امنیتی بیشتری قرار گرفته‌اند و این وضعیت به افزایش نگرانی‌ها از سرکوب‌های بیشتر منجر شده است (Lentin, 2004).

5- تحلیل تطبیقی؛ سوئیس و سایر کشورهای اروپایی

امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در سوئیس به‌طور قابل‌توجهی مشابه روندهای مشابه در سایر کشورهای اروپایی بوده است، با این حال برخی ویژگی‌های خاص سوئیس در مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی باعث تفاوت‌هایی در نحوه برخورد با مسلمانان و سیاست‌های مرتبط با امنیت‌سازی هویت دینی شده است. در این تحلیل تطبیقی، به مقایسه سیاست‌ها و اقدامات سوئیس با کشورهای دیگری مانند فرانسه، آلمان و بریتانیا پرداخته می‌شود.

سوئیس و امنیتی‌سازی هویت دینی: در سوئیس امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان عمدتاً از طریق سیاست‌های محدودکننده‌ای مانند ممنوعیت ساخت مناره‌ها (۲۰۰۹) و قانون منع پوشیدن نقاب در اماکن عمومی (۲۰۲۱) انجام شده است. این سیاست‌ها بیشتر بر اساس نگرانی‌های امنیتی و هویتی اتخاذ شده و مسلمانان به عنوان تهدیداتی برای هویت فرهنگی و امنیت ملی سوئیس معرفی شده‌اند. در این کشور، احزاب راست‌گرا مانند حزب مردم سوئیس (SVP) نقش مهمی در برجسته‌سازی این تهدیدات دارند (Fekete, 2004). این سیاست‌ها موجب ایجاد شکاف‌های اجتماعی و تبعیض علیه مسلمانان شده است که در نتیجه آنها را در برابر جامعه سوئیس قرار می‌دهد.

فرانسه: امنیتی‌سازی و قانون‌گذاری سختگیرانه: در فرانسه نیز روند مشابهی در راستای امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان مشاهده می‌شود، یکی از اقدامات مهم در این زمینه، ممنوعیت پوشیدن حجاب در مدارس دولتی در سال ۲۰۰۴ و سپس قوانین محدودکننده‌ای همچون قانون منع پوشیدن نقاب در اماکن عمومی در سال ۲۰۱۰ است. این اقدامات به‌ویژه در گفتمان‌های سیاسی و رسانه‌ای فرانسه، مسلمانان را به عنوان تهدیدی برای ارزش‌های سکولار و هویت جمهوری خواهانه این کشور معرفی کرده است (Scott, 2007). همانند سوئیس در فرانسه نیز نگرانی‌های امنیتی از جمله مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی باعث اتخاذ این قوانین شده است، این امر منجر به افزایش تبعیض ضد مسلمانان و گسترش اسلام‌هراسی در سطح جامعه شده است (Fekete, 2004).

آلمان: سیاست‌های یکپارچه‌سازی و چالش‌های هویتی: آلمان به عنوان یکی از کشورهای بزرگ پذیرای مسلمانان در اروپا، سیاست‌هایی متفاوت از سوئیس و فرانسه را در قبال مسلمانان اتخاذ کرده است، برخلاف سوئیس و فرانسه که بیشتر بر روی قوانین محدودکننده تأکید دارند، آلمان بر فرایندهای یکپارچه‌سازی تأکید دارد. در آلمان سیاست‌های مهاجرتی به‌طور عمده بر اساس مشارکت و هم‌پذیری استوار است و تلاش‌هایی برای ایجاد برنامه‌های آموزشی و فرهنگی به‌منظور کمک به ادغام مسلمانان در جامعه آلمانی صورت گرفته است. با این حال افزایش نگرانی‌ها از تروریسم و پناهندگان پس از بحران مهاجرت ۲۰۱۵، چالش‌هایی را در این زمینه ایجاد کرده است و به تدریج آلمان نیز با مسائلی مانند امنیتی‌سازی هویت دینی مواجه شده است. در

حالی که آلمان تلاش کرده است تا فضاهای عمومی و دینی مسلمانان را حفظ کند، برخی احزاب راست‌گرا و گروه‌های افراطی در آلمان از گفت‌وگوهای ضد مهاجرت و ضد اسلامی استفاده کرده‌اند که منجر به افزایش نگرانی‌ها از تهدیدات امنیتی شده است (Heitmeyer, 2010).

بریتانیا: گفت‌وگوهای اسلام‌هراسی و سیاست‌های ضد تروریستی: در بریتانیا، روند امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان به‌ویژه پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و موجی از حملات تروریستی در سال‌های بعد شدت یافت، در این کشور گفت‌وگوهای اسلام‌هراسی و سیاست‌های ضد تروریستی مانند قانون «جلوگیری از افراط‌گرایی» که در سال ۲۰۱۵ تصویب شد، مسلمانان را به‌عنوان تهدیدات امنیتی و فرهنگی مطرح کرده است. این سیاست‌ها عمدتاً بر کنترل و نظارت بر جوامع مسلمان متمرکز هستند و شامل برنامه‌های نظارت اطلاعاتی، بازداشت افراد مشکوک به افراط‌گرایی و سیاست‌های اجتماعی محدودکننده برای مسلمانان می‌شود. در اینجا نیز همانند سوئیس، مسلمانان به‌عنوان تهدیداتی برای امنیت و هویت ملی معرفی می‌شوند، اما در بریتانیا به‌ویژه تحت تأثیر بحران‌های امنیتی ناشی از حملات تروریستی، نگرانی‌های اجتماعی بیشتری در مورد روابط مسلمانان با سایر گروه‌ها در جامعه وجود دارد (2015, Abbas).

تفاوت‌ها و شباهت‌ها در روندهای امنیتی‌سازی در سوئیس و سایر کشورهای اروپایی: یکی از تفاوت‌های مهم میان سوئیس و دیگر کشورهای اروپایی، به‌ویژه فرانسه و آلمان، نحوه تعامل با مسأله چندفرهنگ‌گرایی است، در حالی که فرانسه و آلمان در سیاست‌های خود به‌ویژه در زمینه ادغام مسلمانان و اقلیت‌ها سیاست‌هایی متفاوت داشته‌اند، سوئیس بیشتر به سیاست‌های محدودکننده و ضامن حفظ هویت ملی و امنیت کشور توجه داشته است. علاوه بر این، در فرانسه و بریتانیا، گفت‌وگوهای ضد مسلمانان به‌طور گسترده‌تری در رسانه‌ها و فضای عمومی مطرح شده‌اند، در حالی که سوئیس بیشتر در زمینه‌های قانونی و رسمی نسبت به مسلمانان واکنش نشان داده است.

شباهت‌ها نیز شامل استفاده از گفت‌وگوهای امنیتی و ترس از تهدیدات فرهنگی و اجتماعی است، در همه این کشورها، مسلمانان به‌ویژه به‌عنوان تهدیداتی برای هویت ملی و امنیت عمومی معرفی می‌شوند، و این امر منجر به سیاست‌های سختگیرانه‌تری در برابر این گروه‌ها شده است. همچنین این روندها به تقویت اسلام‌هراسی، تبعیض و انزوای اجتماعی مسلمانان در این کشورها منجر گردیده است (Lentin, 2004).

6- راهکارها و پیشنهادها برای کاهش تنش‌های هویتی و امنیتی

برای کاهش تنش‌های هویتی و امنیتی مرتبط با مسلمانان در سوئیس و دیگر کشورهای اروپایی، نیازمند راهبردهای جامع و چندبعدی هستیم که شامل اصلاح سیاست‌ها، گسترش گفت‌وگوهای همگرای، و تقویت تعاملات فرهنگی است در ادامه، چند راهکار کلیدی پیشنهاد می‌شود.

بازنگری در سیاست‌های محدودکننده و امنیتی‌سازی: سیاست‌های محدودکننده، مانند ممنوعیت پوشش نقاب و ساخت مناره‌ها، اغلب باعث تقویت احساس انزوا و بیگانگی در میان جوامع مسلمان می‌شوند، دولت‌ها باید در تدوین قوانین و سیاست‌ها به حقوق اقلیت‌ها احترام گذاشته و از سیاست‌هایی که امنیتی‌سازی هویت دینی را تشدید می‌کنند، اجتناب نمایند. در عوض سیاست‌هایی باید تصویب شوند که بر ترویج عدالت اجتماعی و مشارکت اقلیت‌ها تمرکز دارند (Multiculturalism, 2013).

تقویت آموزش بین‌فرهنگی: یکی از مؤثرترین راه‌ها برای کاهش سوءتفاهم‌های فرهنگی و مذهبی، تقویت آموزش‌هایی است که به شناخت بهتر فرهنگ‌ها و ادیان مختلف کمک کند، برنامه‌های آموزشی که بر تنوع فرهنگی و دینی تأکید دارند، می‌توانند به تقویت تعاملات مثبت میان گروه‌های مختلف کمک کنند (Banks, 2015).

ترویج گفت‌وگوهای همگرای و مقابله با اسلام‌هراسی در رسانه‌ها: رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به نگرش‌های عمومی ایفا می‌کنند، از این رو، استفاده از رسانه‌ها برای ترویج همگرایی و رفع کلیشه‌های منفی درباره مسلمانان، می‌تواند تأثیرات مثبتی داشته باشد، همچنین باید قوانینی برای مقابله با انتشار مطالب اسلام‌هراسانه و تبعیض‌آمیز در نظر گرفته شود (Fekete, 2009).

تقویت گفت‌وگوهای بین‌ادیانی: ایجاد پلتفرم‌های مشترک برای گفت‌وگوهای بین‌ادیانی می‌تواند به رفع سوءتفاهم‌ها و کاهش تنش‌های هویتی کمک کند، این گفت‌وگوها، علاوه بر ارتقای تعامل میان گروه‌های مختلف، می‌تواند به درک بهتر از نیازها و نگرانی‌های اقلیت‌های مذهبی منجر شوند (Swidler, 2014).

حمایت از مشارکت اجتماعی و سیاسی مسلمانان: افزایش مشارکت مسلمانان در فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی و کاهش احساس بیگانگی کمک کند، دولت‌ها باید فرصت‌هایی برابر برای مشارکت اقلیت‌ها در عرصه‌های عمومی فراهم آورند و از تبعیض سیستماتیک جلوگیری کنند (Parekh, 2006).

مقابله با احزاب راست‌گرا و افراط‌گرا: تقویت قوانین ضدتبلیغات نفرت‌پراکنانه و محدود کردن نفوذ احزاب راست‌گرا و گروه‌های افراطی می‌تواند به کاهش گفت‌وگوهای ضداسلامی کمک کند، این امر نیازمند اقدام مشترک میان دولت، نهادهای مدنی، و جامعه بین‌المللی است (Mudde, 2019).

تدوین چارچوب‌های حقوقی مبتنی بر عدالت و برابری: اصلاح قوانین مهاجرتی و حقوق اقلیت‌ها برای جلوگیری از تبعیض نهادینه‌شده و ایجاد محیطی عادلانه و برابر برای تمام اقلیت‌های دینی ضروری است، این اصلاحات باید بر اساس استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر تدوین شوند (Brems, 2001).

استفاده از تجارب مثبت سایر کشورها: بررسی تجربیات کشورهای موفق در مدیریت تنوع دینی و فرهنگی، مانند کانادا یا نیوزلند، می‌تواند الگوهای مفیدی برای سوئیس و کشورهای اروپایی فراهم کند، این کشورها با اجرای سیاست‌های چندفرهنگی موفق به کاهش تنش‌های اجتماعی و هویتی شده‌اند (1995, Kymlicka).

نتیجه‌گیری

امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در سوئیس بازتابی از تنش‌های عمیق میان ضرورت‌های امنیتی و حفظ هویت ملی از یک سو، و احترام به حقوق اقلیت‌ها و اصول دموکراتیک از سوی دیگر است، این فرآیند در قالب سیاست‌ها و گفت‌وگوهای رسمی، قوانین محدودکننده‌ای مانند ممنوعیت ساخت

مناره‌ها و نقاب، و گفتمان‌های اسلام‌هراسانه در رسانه‌ها و فضای عمومی شکل گرفته است، نشان‌دهنده چالش‌های پیچیده‌ای است که جوامع اروپایی در مواجهه با مهاجرت و تنوع فرهنگی تجربه می‌کنند.

سوئیس، به‌عنوان کشوری با سابقه طولانی در حفظ بی‌طرفی و احترام به آزادی‌های فردی، از طریق برخی سیاست‌ها و اقدامات امنیتی، به امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجران مسلمان دامن زده است، این سیاست‌ها عمدتاً تحت تأثیر احزاب راست‌گرا و گفتمان‌های سیاسی اسلام‌هراس بوده‌اند که مسلمانان را به‌عنوان تهدیداتی برای هویت ملی و ارزش‌های دموکراتیک معرفی می‌کنند. این رویکرد، علاوه بر تشدید احساس انزوا و بیگانگی در میان مسلمانان، موجب تقویت تعصبات و کلیشه‌های منفی در جامعه شده و انسجام اجتماعی را تضعیف کرده است.

تحلیل تطبیقی میان سوئیس و سایر کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان پدیده‌ای مشترک در سراسر اروپا است، اما نحوه اجرای آن در کشورهای مختلف به دلایل تاریخی، سیاسی، و اجتماعی متفاوت بوده است. در سوئیس، این فرآیند بیشتر در قالب رفتارندوها و تصمیمات مردمی صورت گرفته، در حالی که در کشورهایمانند فرانسه، تمرکز بیشتری بر قوانین و نهادهای حکومتی وجود داشته است، برای مقابله با پیامدهای منفی این روند، اتخاذ سیاست‌های مشارکتی و مبتنی بر عدالت اجتماعی ضروری است، تقویت آموزش‌های بین‌فرهنگی، ایجاد گفتمان‌های همگرا، حمایت از حقوق اقلیت‌ها، و مقابله با گفتمان‌های نفرت‌پراکنانه از جمله اقداماتی است که می‌تواند به کاهش تنش‌های هویتی و ارتقای انسجام اجتماعی کمک کند. همچنین، دولت سوئیس و سایر کشورهای اروپایی باید از امنیتی‌سازی هویت دینی به‌عنوان ابزاری سیاسی پرهیز کرده و به جای آن، بر تقویت تعاملات مثبت میان گروه‌های مختلف اجتماعی تمرکز کنند، در نهایت، امنیتی‌سازی هویت دینی نه تنها تهدیدی برای حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های مذهبی است، بلکه موجب تضعیف ارزش‌های دموکراتیک و افزایش شکاف‌های اجتماعی می‌شود. برای ساخت جامعه‌ای پایدار و همگرا، ضرورت دارد که سیاست‌گذاری‌ها بر مبنای احترام متقابل، عدالت و همزیستی مسالمت‌آمیز تدوین شوند. این امر نه تنها به کاهش تنش‌های هویتی و امنیتی کمک خواهد کرد، بلکه پایه‌ای مستحکم برای ایجاد جامعه‌ای متحد و فراگیر فراهم می‌آورد.

منابع فارسی

- امیری، زهرا (1400)، *چالش‌های هویتی مسلمانان مهاجر در جوامع غربی*، دانشگاه تهران
- جمالی، علی (1399)، *تأثیر سیاست‌های امنیتی اروپا بر وضعیت مسلمانان مهاجر*، دانشگاه علامه طباطبائی
- جمالی، علی (1398)، *سیاست‌های هویتی در اروپا: مطالعه موردی مهاجران مسلمان*، نشریه: مجله پژوهش‌های راهبردی
- حسینی، سید حسین (1398)، *اسلام‌هراسی و چالش‌های مسلمانان در جهان معاصر*، انتشارات: دانشگاه باقر العلوم
- صفوی، سید حمزه (1392)، *مسلمانان و روند همگرایی سیاسی و فرهنگی در اروپا (مطالعه موردی: هویت جمعی مسلمانان مهاجر ساکن در شهرهای پاریس و بروکسل، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره 20*
- فلاحی، ناصر، (1398)، *امنیت و مهاجرت در اروپا*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق
- کاظمی، داوود، رسولی، زهرا (1397)، *اسلام‌هراسی و چالش‌های مسلمانان در اروپا*، فصلنامه سیاست
- کاستلز، مانوئل، (1380)، *عصر اطلاعات: قدرت هویت*، ترجمه: حسین بصیریان جهرمی، تهران: انتشارات طرح نو
- گنجی، مهدی، مرادی، علی (1400)، *امنیتی‌سازی و هویت‌های دینی در جوامع چندفرهنگی*، نشریه: فصلنامه سیاست خارجی
- نقی‌زاده، محمدحسین (1395)، *جهانی‌شدن، هویت و امنیت: تحلیل امنیتی‌سازی هویت در جوامع چندفرهنگی*، مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی
- نقی‌زاده، محمدحسین (1397)، *جهانی‌شدن، هویت و امنیت*، انتشارات: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- یزدانپناه، مهدی و همکاران، (1391)، *هویت اسلامی مهاجرین و امنیت فرهنگی اروپاییان: پیامدها و چالش‌ها*، فصلنامه مطالعات سیاسی جهانی

منابع انگلیسی

- Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Boulder: Lynne Rienner Publishers.
- Fekete, L. (2004). *Anti-Muslim Racism and the European Security State*. *Race & Class*, 46(1), 3-29.
- Bakker, E., & Pels, T. (2013). *The Politics of the Swiss Minaret Ban: Security, Identity, and the Politics of Exclusion*. *The Journal of Political Philosophy*, 21(3), 265-288.
- Mitsilegas, V. (2009). *The Criminalisation of Migration in Europe: Challenges for Human Rights and the Rule of Law*. *European Journal of Migration and Law*, 11(2), 159-186.
- Lentin, R. (2004). *Postcolonial Europe: Islamophobia, Immigration, and the Politics of the Exclusion of Muslims*. *Ethnic and Racial Studies*, 27(4), 1049-1066.
- Scott, J. W. (2007). *The Politics of the Veil*. Princeton University Press.
- Ahmed, S. (2013). *Islamophobia and the British State: The Case of the Prevent Strategy*. *Critical Social Policy*, 33(4), 481-501.
- Bakker, E., & Pels, T. (2013). *The Politics of the Swiss Minaret Ban: Security, Identity, and the Politics of Exclusion*. *The Journal of Political Philosophy*, 21(3), 265-288.
- Bakker, E., & Pels, T. (2013). *The Politics of the Swiss Minaret Ban: Security, Identity, and the Politics of Exclusion*. *The Journal of Political Philosophy*, 21(3), 265-288.
- Lentin, R. (2004). *Postcolonial Europe: Islamophobia, Immigration, and the Politics of the Exclusion of Muslims*. *Ethnic and Racial Studies*, 27(4), 1049-1066.
- Scott, J. W. (2007). *The Politics of the Veil*. Princeton University Press.
- Abbas, T. (2015). *Islamophobia and Anti-Muslim Hate Crime: A Critical Examination of the UK Context*. *Critical Social Policy*, 35(4), 473-495.
- Fekete, L. (2004). *Anti-Muslim Racism and the European Security State*. *Race & Class*, 46(1), 3-29.
- Heitmeyer, W. (2010). *Understanding the Roots of Islamophobia: A Comparative Approach*. *International Journal of Sociology*, 40(2), 50-72.

15. Lentin, R. (2004). *Postcolonial Europe: Islamophobia, Immigration, and the Politics of the Exclusion of Muslims*. *Ethnic and Racial Studies*, 27(4), 1049-1066.
16. Scott, J. W. (2007). *The Politics of the Veil*. Princeton University Press.
17. Bakker, E., & Pels, T. (2013). *The Politics of the Swiss Minaret Ban: Security, Identity, and the Politics of Exclusion*. *The Journal of Political Philosophy*, 21(3), 265-288.
18. Fekete, L. (2004). *Anti-Muslim Racism and the European Security State*. *Race & Class*, 46(1), 3-29.
19. Lentin, R. (2004). *Postcolonial Europe: Islamophobia, Immigration, and the Politics of the Exclusion of Muslims*. *Ethnic and Racial Studies*, 27(4), 1049-1066.